

دور الخطأ في الهدف والهوية في تحديد ماهية القتل من منظور الفقه الإمامي مع دراسة نقدية للمادتين ٢٩٢ و ٢٩٤ من قانون العقوبات الإسلامي^١ السيد محمد حسن نصراللهي^٢

الملخص

هناك خلاف بين فقهاء الإمامية والخبراء القانونيين حول ماهية القتل الناتج عن «الخطأ في الهدف» و«الخطأ في الهوية». ففي «الخطأ في الهدف»، يقصد القاتل قتل محقون دم، ولكن بسبب خطأ في الزامية أو عوامل خارجية، يُقتل محقون دم آخر. وفي «الخطأ في الهوية»، يقع الخطأ نفسه في ذهن القاتل بسبب خطأ في الرؤية، فيقتل محقون دم خطأ بدلاً من محقون دم آخر. على الرغم من اختلاف الآراء (العمد، وشبيه العمد، والخطأ المحض) حول ماهية هذين النوعين من القتل، إلا أن المؤلف، مستخدماً المنهج الوصفي التحليلي، ومستشهداً بروايات الإمامية ومصادرها الفقهية، يعتبر كلتا الحالتين مصداقين للقتل الخطأ المحض؛ لأنه في القتل الناتج عن «خطأ في الهدف»، ينطبق عليه معيار القتل الخطأ المحض الوارد في الروايات؛ وفي القتل الناتج عن «خطأ في الهوية»، ينطبق عليه المعيار المذكور، نظراً لإلغاء الخصوصية القاطعة. وبطبيعة الحال، فبالنظر إلى وجود دافع إجرامي للفعل لدى القاتل في الحالتين، فإن أدلة وجوب الدية على العاقلة منصرفة عن هاتين الحالتين، ويستقر وجوب الدية على القاتل نفسه.

المفردات الأساسية: قتل العمد، قتل شبيه العمد، قتل الخطأ المحض، الخطأ في الهدف، الخطأ في الهوية، الدية، العاقلة.

نقش اشتباه در هدف و هویت در تعیین ماهیت قتل از منظر فقه امامیه بارویکردی نقادانه به مواد ۲۹۲ و ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی^۱

سید محمدحسن نصراللهی^۲

چکیده

در ماهیت قتل ناشی از «اشتباه در هدف» و «اشتباه در هویت»، میان فقیهان امامیه و حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد. در «اشتباه در هدف»، قاتل قصد کشتن فردی محقون‌الدم را دارد، اما به دلیل خطای در تیراندازی یا عوامل خارجی، محقون‌الدم دیگری کشته می‌شود. در «اشتباه در هویت» نیز، همین اشتباه در ذهن قاتل، به علت خطای در دید رخ می‌دهد و فرد محقون‌الدمی به جای محقون‌الدم دیگری به اشتباه کشته می‌شود. با وجود سه نظر مختلف (عمد، شبه‌عمد و خطای محض) درباره ماهیت این دو نوع قتل، نگارنده با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع روایی و فقهی امامیه، هر دو مورد را مصداق قتل خطای محض می‌داند؛ زیرا در قتل ناشی از «اشتباه در هدف»، اطلاق ضابطه قتل خطای محض در روایات بر آن صدق می‌کند؛ و در قتل ناشی از «اشتباه در هویت» نیز، به سبب الغای خصوصیت قطعی، ضابطه مذکور در قتل خطای محض قابل جریان است. البته، با توجه به اینکه قاتل در این دو مصداق، انگیزه جانی‌کارانه از عمل خود داشته است، ادله وجوب پرداخت دیه توسط عاقله از این دو مورد منصرف است و وجوب پرداخت دیه بر عهده خود قاتل است.

واژگان کلیدی: قتل عمد، قتل شبه عمد، قتل خطای محض، اشتباه در هدف، اشتباه در هویت، دیه، عاقله.

تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۴/۱۸

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۱

۲. دانش‌پژوه گروه فقه الجزاء مؤسسه عالی فقه و علوم اسلامی، قم، ایران.

nasrmohammadhasan224540@gmail.com

مقدمه

فقیهان امامیه قتل را به سه قسم قتل عمد و شبه عمد و خطای محض تقسیم می‌کنند و تحقق قتل عمد را به این می‌دانند که قاتل یا قصد قتل داشته باشد و یا حداقل ابزار و یا فعل او در غالب موارد و یا طبق نظر برخی از فقیهان معاصر^۱، حداقل در بعضی موارد، مضروب را به نگاه عرفی در معرض قتل قرار دهد. ایشان تحقق قتل شبه عمد را نیز به این می‌دانند که قاتل قصد فعل خاصی را نسبت به مجنی علیه داشته است ولی قصد قتل نداشته است و فعل و یا ابزار او در غالب موارد و یا طبق نظر برخی دیگر^۲، در بعضی موارد هم منجر به قتل نشود ولی بر حسب اتفاق، مقتول در اثر ضربه او کشته شود. فقیهان همچنین تحقق قتل خطای محض را به این می‌دانند که قاتل قصد فعل و یا قتل را نسبت به شیء و یا حیوان و یا انسان مهدورالدمی دارد ولی اتفاقاً انسان دیگری که جاننش محترم است، کشته شود.^۳ در بسیاری از موارد ماهیت قتل، طبق ضوابط فوق روشن است؛ ولی در برخی موارد، ماهیت قتل، مورد اختلاف و شک و تردید فقیهان و حقوق‌دانان قرار می‌گیرد. از جمله این مصادیق می‌توان به دو نوع از اشتباه در قتل اشاره کرد که در حقوق‌دانان آنها را «اشتباه در هدف» و «اشتباه در هویت» می‌نامند. البته روشن است که در قتل ناشی از اشتباه در هدف یا هویت نیز اگر اقدام قاتل، نوعاً باعث قتل و یا آسیب بدنی دیگری شود، قتل مزبور عمد یا شبه عمد شمرده می‌شود. مثلاً تحقق قتل، ناشی از نداشتن مهارت، بی‌دقتی، یا بی‌مبالاتی قاتل در روش اجرای قتل باشد که اگر بی‌مبالاتی و بی‌دقتی فاحش باشد، قتل عمد، و در غیر این صورت شبه عمد خواهد بود. آنچه نیاز به بررسی دارد، مواردی است که اقدام قاتل نوعاً و یا دست‌کم در برخی موارد، مقتول را در معرض قتل یا آسیب بدنی قرار نمی‌دهد و به گونه‌ای حوادثی غیر قابل پیش‌بینی و خارج از اختیار قاتل، مانند وزش باد ناگهانی و تاریک شدن ناگهانی فضا و... باعث وقوع قتل شده باشد.

۱. خوانساری، جامع المدارک، ج ۶، ص ۱۶۴.

۲. همان.

۳. حلی، شرایع الاسلام، ج ۴، ص ۲۲۸؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۳، ص ۴۳؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۹۱. این، قدر متیقن از تعریف قتل خطای محض است و در ادامه روشن می‌شود که بسیاری از فقیهان به حیوان و انسان مهدورالدم، انسان محقون‌الدم را نیز ملحق کرده‌اند.

مفهوم‌شناسی

«اشتباه در هدف» در قتل به این معنی است که قاتل، هدف معینی را نشانه می‌گیرد، ولی بر اثر عوامل گوناگونی چون نداشتن مهارت در هدف‌گیری، وزش باد، یا جاخالی دادن فرد مورد نظر و امثال آن، انسانی محقون‌الدم به قتل می‌رسد. در چنین مواردی، نوعی خطای در فعل رخ داده که ممکن است در تیراندازی، سقوط از بلندی و... تحقق پیدا کند.^۱

«اشتباه در هویت» در قتل به این معنی است که قاتل، فردی را که در مقابل او است، با فرد دیگری در ذهن خویش به دلیل خطای دید اشتباه می‌گیرد و او را به قتل می‌رساند. این نوع اشتباه را «اشتباه در تطبیق» نیز می‌گویند. مانند آنکه قاتل به خاطر شباهت زیادی که بین دو نفر است، یکی را به اشتباه به جای دیگری می‌کشد، با اینکه در ذهن خویش نسبت به فرد کشته‌شده هیچ‌گونه قصدی نداشته است. در حقیقت، در این نوع از اشتباه، خطا در ذهن قاتل یا قصد او رخ داده است؛ به گونه‌ای که منشأ این اشتباه، خطای دید ناشی از تاریکی هوا یا شباهت بسیار بین دو نفر یا امور دیگر بوده است.^۲ آری، اگر فردی که در مقابل او است را به روشنی می‌بیند و دشمنی با یک صنف یا گروه خاص او را وادار می‌کند فرد مقابل را به قتل برساند، ولی پس از قتل روشن می‌شود فرد مقتول از آن صنف و گروه نبوده است. این نوع از قتل، قتل بر اساس اشتباه در هویت نخواهد بود^۳؛ زیرا در این نوع از اشتباه، هرچند خطا در قصد یا ذهن قاتل رخ داده است و قاتل به مقصود خویش نرسیده است، ولی منشأ این اشتباه، خطای دید نبوده است؛ بلکه ممکن است علت این خطا و عدم رسیدن به مقصود، به تحقیقات ناقص او از هویت صنفی مقتول برگردد.

با توجه به دو تعریف فوق روشن می‌شود که «اشتباه در هدف» یا «هویت» از قبیل اشتباه در موضوعات و مصادیق خارجی است، بدون اینکه منشأ این اشتباه، خطای در فهم یک حکم شرعی باشد. بنابراین اگر فردی گروهی را مهدورالدم بداند و اقدام به قتل آنان نماید، ولی در

۱. میرمحمد صادقی، جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، ص ۳۷۶؛ حاجی ده‌آبادی، جرایم علیه اشخاص (قتل)، ص ۵۳۶؛ عوده، التشریح الجنائی الاسلامی، ج ۲، ص ۸۸.
۲. میرمحمد صادقی، جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، صص ۳۸۱، حاجی ده‌آبادی، جرایم علیه اشخاص (قتل)، ص ۵۳۶.
۳. حاجی ده‌آبادی، جرایم علیه اشخاص (قتل)، ص ۵۴۸.

این باورش اشتباه کند و گروه مزبور محقون الدم باشند، قتل مزبور، قتل ناشی از اشتباه در هدف و هویت نخواهد بود.

هرکدام از اشتباه در هدف و هویت با توجه به محقون الدم و مهدورالدم بودن فرد مقصود و مقتول، دارای چهار صورت است که در مجموع هشت صورت پدید می‌آید؛ ولی آنچه که محل بحث بین فقیهان و حقوق‌دانان است، صورتی است که فرد مقصود و مقتول، هر دو محقون الدم باشند و در نتیجه بحث صرفاً در همین فرض پی گرفته می‌شود.

پیشینه

این دو بحث به عنوان مسئله‌ای مستقل در ادبیات فقیهان امامی مطرح نبوده است؛ ولی برخی در ضمن تعریف قتل خطای محض^۱ و برخی دیگر نیز در ضمن تبیین برخی فروع فقہی در بحث قصاص^۲ به این فرع نیز اشاراتی کرده‌اند؛ ولی هیچ‌یک به صورت تفصیلی وارد هیچ‌کدام از این دو بحث نشده‌اند.

حقوق‌دانان معاصر نیز اگرچه به این مسئله توجه بیشتری کرده‌اند و به طور مبسوط در ضمن یک فصل به ماهیت این دو نوع از قتل پرداخته‌اند^۳، ولی ایشان نیز نتوانسته‌اند جوانب مسئله را طبق موازین فقہی بررسی نمایند و غالباً از جهت حقوقی و قانونی بحث را پی گرفته‌اند. البته برخی از محققان و نویسندگان معاصر تلاش کرده‌اند به بُعد فقہی این مسئله نیز پردازند؛ از جمله رسول مزروعی در «شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی (قصاص)»

ماجرای

نش اشتباه در هدف و هویت در تعیین ماهیت قتل از منظر فقه امامیه

۱. مفید، المقنعة، ص ۷۳۴؛ طوسی، النهایة، ص ۷۳۳؛ ابن سعید حلّی، الجامع للشرایع، ص ۵۷۱؛ شهید اول، اللمعة الدمشقیة، ص ۲۷۵؛ شهید ثانی، الروضة البهیة، ج ۲، ص ۴۱۸؛ ابن طی، الدر المنضود، ص ۳۱۹؛ عاملی، مفتاح الکرامة، ج ۱۰، ص ۲۶۶؛ کاشف الغطاء، سفینة النجاة، ج ۳، ص ۷۰؛ مرعشی نجفی، منهاج المؤمنین، ج ۲، ص ۲۷۹.
۲. حلّی، قواعد الأحکام، ج ۳، ص ۴۵۷؛ فخرالمحققین، ایضاح الفوائد، ج ۴، ص ۵۶۴؛ قطان حلّی، معالم الدین فی فقه آل یاسین، ج ۲، ص ۵۲۹؛ فاضل هندی، کشف اللثام، ج ۱۱، ص ۲۷؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۳۷؛ خویی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، ص ۲۸۹؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۵۴۴؛ فیاض، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۹۶.
۳. میرمحمد صادقی، جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، ص ۳۷۶-۳۸۵؛ حاجی ده‌آبادی، جرایم علیه اشخاص (قتل)، صص ۵۳۵-۵۷۰؛ فضلی، ساریخانی «جنایت نظیر و اشتباه در جنایت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، پژوهش حقوق کیفری، سال هفتم، شماره ۲۶، بهار ۱۳۹۸، صص ۱۹۱-۲۲۶.

که به جنبه فقهی این مسئله توجه کرده و نظرات ابداعی نیز در این مسئله داده‌اند؛ ولی به نظر می‌رسد ایشان در ماهیت این دو نوع از قتل به خطا رفته و به مستندات ایشان نقد جدی وارد است. همچنین می‌توان به مقاله علمی «واکاوی حکم قتل ناشی از اشتباه در هدف در فقه امامیه» نوشته خانم الهام صالحی در فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی شماره ۷۵ بهار ۱۴۰۳ اشاره کرد که ایشان نیز به تفصیل وارد جنبه فقهی و استدلالی مسئله نشده است. در پژوهش پیش رو تلاش شده بعد فقهی مسئله با دقت و ژرف‌نگری بیشتری در دلالت ادله قرآنی و روایی و ارتکازات عقلایی مورد توجه قرار گیرد.

آراء فقیهان و حقوق‌دانان در ماهیت قتل ناشی از اشتباه در هدف

ماهیت این نوع از اشتباه در قتل، در نزد فقیهان امامیه و حقوق‌دانان معاصر محل اختلاف نظر است. برخی از اندیشمندان اسلامی این نوع از قتل را، عمد^۱ و برخی شبه عمد^۲ و برخی دیگر خطای محض دانسته‌اند.^۳ در ادامه به تفصیل به نظریات در مسئله و ادله هر یک پرداخته

۱. کاشف الغطاء، سفینه النجاة، ج ۳، ص ۷۰؛ فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ص ۴۹۸، استفتاء ۱۷۹۸؛ سبحانی، استفتائات، ج ۱، ص ۳۸۱، استفتاء ۱۱۸۷؛ معرفت، فصل‌نامه حق، دفتر پنجم، فروردین-خرداد ۱۳۶۵، صص ۳۶-۵۵؛ (به نقل از: مرعشی شوشتری، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، ص ۲۱۰)؛ مزورعی، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی (فصاحص)، ج ۱، ص ۲۱۳. بیشتر فقیهان مذهب مالکی و برخی از فقیهان مذهب حنبلی و قانون وضعی کشور مصر هم این نوع از قتل را قتل عمد می‌دانند. عوده، التشریح الجنائی الاسلامی، ج ۲، ص ۸۹.
۲. منتظری، رساله استفتائات، ج ۱، ص ۲۶۸، استفتاء ۹۳۵؛ و ص ۲۶۹، استفتاء ۹۳۸؛ فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ص ۴۹۸، استفتاء ۱۸۰۱ (آیت‌الله فاضل در پاسخ استفتائات، گاهی اشتباه در هدف را از انواع قتل عمد و گاهی آن را شبه عمد دانسته است).
۳. مفید، المقنعة، ص ۷۳۴؛ طوسی، النهایة، ص ۷۳۳؛ ابن سعید حلی، الجامع للشرایع، ص ۵۷۱؛ شهید اول، اللمعة الدمشقیة، ص ۲۷۵؛ شهید ثانی، الروضة البهیة، ج ۲، ص ۴۱۸؛ ابن طی، الدر المنضود، ص ۳۱۹؛ عاملی، مفتاح الکرامة، ج ۱۰، ص ۲۶۶؛ مرعشی نجفی، منهاج المؤمنین، ج ۲، ص ۲۷۹؛ بهجت، استفتائات، ج ۴، ص ۴۸۰، استفتاء ۶۲۱۲؛ مکارم، استفتائات جدید، ج ۱، ص ۳۷۶، استفتاء ۱۲۶۱؛ خوبی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، ص ۲۸۹؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۵۴۴؛ فیاض، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۹۶؛ مرعشی شوشتری، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، ص ۲۱۰؛ میرمحمد صادقی، جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، ص ۳۷۷؛ برهانی، تأملات؛ شرحی بر قانون مجازات اسلامی، ص ۳۵۸؛ فقیهان مذهب حنفی و شافعی و برخی از فقیهان مذهب مالکی و حنبلی این نوع از قتل را قتل خطای محض می‌دانند. عوده، التشریح الجنائی الاسلامی، ج ۲، ص ۸۹.

می‌شود.

نظر نخست: قتل عمد یا در حکم عمد

برخی از فقیهان قتل ناشی از اشتباه در هدف را از مصادیق قتل عمد^۱ و برخی دیگر از محققان معاصر قتل مزبور را در حکم قتل عمد دانسته‌اند.^۲

دلیل نخست: وجود ملاک قتل عمد در اشتباه در هدف

در قتل ناشی از اشتباه در هدف، قاتل قصد کشتن یک انسان محقون‌الدم و بی‌گناه را داشته است و انسان محقون‌الدمی نیز در نهایت کشته شده است. با نگاه عرفی همین امر برای صدق قتل عمد فرد محقون‌الدمی که به اشتباه کشته شده، کفایت می‌کند. طبق صحیحۃ حلبی و عبدالله بن سنان^۳ نیز موضوع حق قصاص، قتل عمدی مؤمن محقون‌الدم است و در موارد اشتباه در هدف می‌توان گفت مؤمن محقون‌الدمی به عمد کشته شده است و تشخیصات خارجی و یا عنوانی افراد مدخلیتی در موضوع حق قصاص ندارد.

اما با بررسی این دلیل روشن می‌شود، هرچند برای تحقق قتل عمد لزومی ندارد قاتل، فرد معین یا جمع معینی را قصد کند، بلکه اگر یک فرد تروریست با بمب‌گذاری در محل رفت‌وآمد و اجتماع مردم، قصد کشتن انسان محقون‌الدمی را داشته باشد، بدون آنکه غرضش به شخص یا جمع معینی تعلق گرفته باشد و با عمل وی، انسان محقون‌الدمی کشته شود، قتل عمد تحقق پیدا کرده است.^۴ ولی در قتل ناشی از اشتباه در هدف، این مسلم است که قاتل چنین قصدی نیز نداشته است؛ زیرا کسی که قصد می‌کند فعل و جنایت خود را متوجه فرد

ما اجتهاد
پژوهش‌های قضایی

نقش اشتباه در هدف و هویت مرتکبین ماهیت قتل از منظر فقه امامیه

۱. کاشف الغطاء، سفینة النجاة، ج ۳، ص ۷۰؛ فاضل لنگرانی، جامع المسائل، ص ۴۹۸، استفتاء ۱۷۹۸؛ سبحانی، استفتانات، ج ۱، ص ۳۸۱، استفتاء ۱۱۸۷؛ معرفت، فصل‌نامه حق، دفتر پنجم، فروردین-خرداد ۶۵، صص ۳۶-۵ (به نقل از: مرعشی شوشتری، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، ص ۲۱۰)؛ بیشتر فقیهان مذهب مالکی و برخی از فقیهان مذهب حنبلی و قانون وضعی کشور مصر هم این نوع از قتل را قتل عمد می‌دانند. عوده، التشریح الجنائی الاسلامی، ج ۲، ص ۸۹.
۲. مزروعی، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی (قصاص)، ج ۱، ص ۲۱۳.
۳. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۵۳، ح ۳.
۴. بندت ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی بدین نکته به درستی اشاره کرده است.

معینی با مشخصات خارجی مخصوصی به نام «الف» کند، قصد وقوع فعل بر دیگران را ندارد؛ بلکه قصد عدم وقوع فعل و جنایت بر دیگران را دارد و این باعث می‌شود در عرف نگویند فرد «ب» که به اشتباه کشته شده است، به صورت عمدی کشته شده است.

دلیل دوم: ظالمانه بودن قتل ناشی از اشتباه در هدف

در آیه ۳۳ سوره اسراء آمده است:

﴿لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾^۱

موضوع حق قصاص طبق آیه شریفه، قتلی است که به صورت ظالمانه تحقق پیدا کرده است و قتل ناشی از اشتباه در هدف، قتلی ظالمانه است و در آن مقتول به ظلم کشته شده است؛ هرچند این قتل عمدی محسوب نشود. و تعبیر به جنایت عمدی در متون روایی و فقهی به دلیل آن است که جنایت عمدی از بارزترین مصادیق جنایت ظالمانه است یا اینکه تعبیر مذکور از باب حمل بر اعم اغلب یا ناشی از تسامح در تعبیر است.^۲ از این رو ماهیت قتل مزبور اگرچه عمدی نیست، ولی قصاص برای چنین قتلی جایز است؛ به دلیل اینکه موضوع حق قصاص، قتل ظالمانه است، نه قتل عمدی. و در نتیجه، قتل ناشی از اشتباه در هدف هرچند به لحاظ موضوعی قتل عمدی نیست، ولی می‌توان آن را در حکم قتل عمد دانست.

اما با بررسی این دلیل روشن می‌شود هرچند قتل بر اساس اشتباه در هدف، قتلی ظالمانه است، ولی بر اساس آنچه از ادله مشروعیت حق قصاص فهمیده می‌شود، موضوع حق قصاص قتل عمد است.^۳ هرچند این قتل عمد نیز باید به صورت ظالمانه تحقق پیدا کند و آیه شریفه هم در مقام ضابطه‌ای غیر از این برای حق قصاص نیست. شاهد بر ادعا، این است که نهی «لَا تَقْتُلُوا...» در آیه شریفه از قتل اختیاری نهی می‌کند و قتل اختیاری تنها در قتل عمدی رخ می‌دهد و در قتل شبه عمد یا خطای محض، قتل به صورت اختیاری رخ نمی‌دهد تا متعلق نهی

ماهیچوا
پژوهش‌های فقهی

سال نهم، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۴۰۴

۱. کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده جز به حق نکشید، و هر کس مظلوم کشته شود، برای وارثش تسلطی بر قاتل قرار داده‌ایم. پس وارث مقتول نباید در کشتن زیاده روی کند؛ زیرا او مورد حمایت قرار گرفته است.
۲. مزروعی، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی (قصاص)، ج ۱، صص ۲۱۷ و ۱۲۶.
۳. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۵۳، ح ۳.

خداوند متعال قرار بگیرد و به قرینه صدر، موضوع قسمت دوم آیه شریفه ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا﴾ هم قتل عمدی خواهد بود و این قسمت از آیه شریفه در مقام بیان شرط دیگری است که قتل عمدی باید به صورت ظالمانه رخ دهد تا حق قصاص برای اولیای دم حاصل شود. شاهد بر اینکه صرف وجود قتل ظالمانه باعث ایجاد حق قصاص نمی‌شود، این است که در قتل شبه عمد اگر فردی به ناحق و ظالمانه جنایتی علیه مجنی‌علیه انجام دهد، ولی این جنایت به حسب غالب موارد، فرد را در معرض قتل قرار ندهد و جانی نیز قصد قتل نداشته باشد، ولی اتفاقاً فعل او منجر به قتل شود، در این صورت قتل واقع شده هر چند ظالمانه رخ داده است؛ ولی هیچ‌یک از فقیهان برای چنین قتلی حق قصاص را نپذیرفته‌اند؛ زیرا از ادله مشروعیت قصاص، دانسته می‌شود که عمدی بودن قتل نیز لازم است و صرف وقوع قتل ظالمانه کافی برای حق قصاص نیست. و اینکه گفته شود سبب قتل در قتل شبه عمد مذکور ظالمانه است، ولی قتل واقع شده ظالمانه نیست، تکلف بی‌فایده‌ای بیش نیست؛ به این دلیل که با نگاه عرفی ظلم مذکور در سبب به مسبب هم سرایت می‌کند و در نتیجه قتل شبه عمد مذکور ظالمانه خواهد بود. اگر اصرار شود که در این‌گونه موارد قتل واقع شده ظالمانه نیست، در موارد قتل ناشی از اشتباه در هدف نیز گفته می‌شود قتل واقع شده ظالمانه نیست و ظلم صرفاً در نیت و قصد قاتل بوده است و قتل مزبور صرفاً قبح‌فاعلی داشته است، بدون آنکه قبح فعلی داشته باشد؛ در نتیجه در این صورت نیز آیه شریفه شامل آن نمی‌شود.

نظردوم: قتل شبه عمد یا در حکم شبه عمد

از استفتانات برخی از فقیهان معاصر به دست می‌آید که قتل مزبور شبه عمد یا در حکم قتل شبه عمد است. برخی از حقوق‌دانان نیز این قتل را در حکم قتل شبه عمد دانسته‌اند.^۱ مستند شبه عمد بودن قتل مزبور چندان روشن نیست؛ زیرا در قتل شبه عمد، قاتل قصد فعل نسبت به مقتول دارد، ولی قصد قتل او را ندارد؛ در حالی که در اشتباه در هدف، قاتل افزون بر قصد فعل، اراده قتل فرد مقصود خودش را هم داشته است، ولی بر اثر حوادث غیرمنتظره، تیر او به خطا رفته است و نسبت به فرد مقتول نیز قاتل نه قصد فعل و نه قصد قتل دارد.

۱. حاجی ده‌آبادی، جرایم علیه اشخاص (قتل)، ص ۵۴۰.

ممکن است گفته شود این نوع از قتل به حسب قواعد، قتل شبه عمد نیست؛ ولی به لحاظ اینکه قاتل باید دیه را بدهد، در «حکم قتل شبه عمد» است که در ادامه به بررسی این نظر پرداخته خواهد شد.

نظرسوم: قتل خطای محض

برخی از اندیشمندان اسلامی و محققان، قتل ناشی از اشتباه در هدف را از مصادیق قتل خطای محض دانسته‌اند.^۱ برای نمونه، برخی از فقیهان امامی در تعریف قتل خطای محض، به صراحت این نوع از قتل را داخل در تعریف کرده‌اند.^۲

به باور برخی دیگر از فقیهان امامی، اگر کسی از بلندی به قصد سقوط بر فردی در پایین، خود را پرتاب کند و در این کار قصد قتل او را داشته باشد و یا این کارش در غالب موارد باعث قتل بشود، ولی به اشتباه بر فرد دیگری سقوط کند و موجب قتل وی شود، قتل خطای محض رخ داده است و پرداخت دیه برعهده عاقله است.^۳ از اطلاق برآمده از این فرع فقهی، استفاده می‌شود که این بزرگان معتقد بودند در اشتباه در هدف که فردی قصد کشتن یک محقون‌الدم را داشته، ولی به اشتباه فرد محقون‌الدم دیگری کشته می‌شود، قتل مزبور، قتل خطای محض خواهد بود.

ما مجتهد
پژوهش‌های فقهی

سال نهم، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۴۰۴

۱. مفید، المقنعة، ص ۷۳۴؛ طوسی، النهایة، ص ۷۳۳؛ ابن سعید حلی، الجامع للشرایع، ص ۵۷۱؛ شهید اول، اللمعة الدمشقیة، ص ۲۷۵؛ شهید ثانی، الروضة البهیة، ج ۲، ص ۴۱۸؛ ابن طی، الدر المنضود، ص ۳۱۹؛ عاملی، مفتاح الکرامة، ج ۱۰، ص ۲۶۶؛ مرعشی نجفی، منهاج المؤمنین، ج ۲، ص ۲۷۹؛ بهجت، استفتائات، ج ۴، ص ۴۸۰؛ استفتاء ۶۲۱۲؛ مکارم، استفتائات جدید، ج ۱، ص ۳۷۶؛ استفتاء ۱۲۶۱؛ خوبی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، ص ۲۸۹؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۵۴۴؛ فیاض، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۹۶؛ مرعشی شوشتری، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، ص ۲۱۰؛ میرمحمد صادقی، جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، ص ۳۷۷. برهانی، تأملات؛ شرحی بر قانون مجازات اسلامی، ص ۳۵۸؛ فقیهان مذهب حنفی و شافعی و برخی از فقیهان مذهب مالکی و حنبلی این نوع از قتل را قتل خطای محض می‌دانند. عوده، التشریح الجنائی الاسلامی، ج ۲، ص ۸۹.
۲. شهید اول، اللمعة الدمشقیة، ص ۲۷۵؛ شهید ثانی، الروضة البهیة، ج ۲، ص ۴۱۸.
۳. محقق حلی، شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۲۳۴؛ علامه حلی، قواعد الأحكام، ج ۳، ص ۶۵۰؛ تحریر الأحكام، ج ۵، ص ۵۳۵؛ إرشاد الاذهان، ج ۲، ص ۲۲۴؛ شهید اول، اللمعة الدمشقیة، ص ۲۷۶؛ شهید ثانی، مسالک الأفهام، ج ۴، ص ۲۳۴؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۳، ص ۷۱؛ خوبی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، ص ۲۸۹؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۵۴۴؛ فیاض، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۹۶.

دلیل: اطلاق روایات

در روایاتی که در مقام بیان ضابطه‌ای برای انواع قتل است، ضابطه قتل خطای محض چنین بیان شده است: صحیحہ عبدالرحمان بن حجاج با تعبیر: «إِنَّمَا الْخَطَأُ أَنْ يُرِيدَ الشَّيْءَ فَيُصِيبَ غَيْرَهُ»^۱ یا صحیحہ حلبی و زراره با تعبیر: «الْخَطَأُ مَنْ اعْتَمَدَ شَيْئًا فَأَصَابَ غَيْرَهُ»^۲. این عبارات اطلاق دارد و شامل قتل ناشی از اشتباه در هدف هم می‌شود. پرواضح است مراد از «شیء» حیوان یا انسان معین است، نه عضوی معین از فرد معین؛ تا گفته شود که اگر فردی قصد شلیک به قلب فرد مجنی‌علیه را داشته باشد و تیر به مغز او اصابت کند، قتل او خطای محض خواهد بود. و مقصود از شیء هم مطلق موجودات، اعم از بی‌جان و باجان و اعم از انسان و حیوان و اعم از انسان محقون‌الدم و مهدورالدم است. و دلیلی وجود ندارد «شیء» در این روایات را مختص به حیوان یا انسان مهدورالدم بدانیم؛ همان‌طور که کاربردهای قرآنی مانند «إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» و یا «...عَلِيمٌ» که فراوان در قرآن کریم استعمال شده است نیز بر این مطلب گواهی می‌دهد.

از سوی دیگر خطایی بودن قتل خطای محض هم یک جعل تعبدی و تأسیسی از سوی شارع نیست؛ بلکه جعل مذکور ناظر به عرف است و به لحاظ عرفی در قتل ناشی از اشتباه در هدف، وقوع قتل بر مقتول خطاکارانه بوده است و در این امر تفاوتی بین حالتی که عمل ایجاد شده در نظر قاتل مشروع یا نامشروع بوده است، وجود ندارد؛ زیرا موارد مذکور به قصد مرتکب مربوط می‌شود، بدون آنکه در خطایی محسوب شدن فعل تغییری ایجاد کند. به عبارت دیگر، قصد کشتن انسانی معین نه تنها ملازمه با قصد کشتن انسان به طور مطلق ندارد، بلکه مستلزم عدم قصد مطلق است.

اما به نظر می‌رسد این دلیل با سه اشکال روبه‌رو است:

اشکال اول: با توجه به اینکه در قتل خطای محض در صورت اثبات قتل با بینه، پرداخت دیه برعهده عاقله است^۳ و ملاک پرداخت دیه بر عاقله به مناسبت حکم و موضوع به‌نگاه

۱. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۹، صص ۳۵ و ۳۷، ح ۱ و ۶.

۲. همان، صص ۳۶ و ۴۰، ح ۳ و ۱۳.

۳. خوبی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، صص ۲۴۲ و ۵۵۴-۵۵۷.

عقلایی آن است که افراد در بحران‌های خاصی که به شکل ناخواسته و غیرقابل پیش‌بینی با آن روبه‌رو می‌شوند، از حمایت اقتصادی خانواده خویش برخوردار شوند و آحاد جامعه اسلامی با آرامش از وقوع این چنین جنایاتی به زندگی خویش ادامه دهند، این نکته در جنایتی که فرد با انگیزه جنایتکارانه اقدام به قتل و جنایت کرده، ولی در اثر خطای در هدف فرد بی‌گناه دیگری به قتل رسیده است، وجود ندارد و به همین جهت این نوع از قتل را نمی‌توان قتل خطای محض محسوب کرد.^۱

در پاسخ به این اشکال باید گفت: عقلای عالم راهی برای کشف ملاکات احکامی که شارع مقدس جعل کرده است، ندارند و در این‌گونه امور نمی‌توان به راحتی علت منحصر حکم را کشف کرد تا بتوان در مواردی که این علت وجود ندارد، حکم مذکور را نفی کرد. بلکه، اگر خود شارع ملاک و علت منحصره جعل حکم خویش را بیان کند، می‌توان در مصداقی که ملاک و علت مذکور وجود نداشته باشد، حکم مذکور را نیز نفی کرد. ولی در ادله و جوب پرداخت دیه توسط عاقله در قتل خطای محض، چنین دلیلی به ما نرسیده است که علت انحصاری چنین تکلیفی را تبیین کرده باشد و ملاکی که مطرح شده، حداکثر حکمت و به عبارتی یکی از علل جعل تکلیف مزبور است.

اشکال دوم: عبارت «الْخَطَأُ الَّذِي لَا شَكَّ فِيهِ»^۲ در صحیح‌ه ابی‌العباس و صحیح‌ه زراره در توصیف قتل خطای محض، نشان می‌دهد در قتل خطای محض باید خطا بودن قتل از سوی قاتل در نزد عقلا امری روشن باشد؛ به‌گونه‌ای که با دادن کوچک‌ترین توجهی به عرف، جایی برای شک نماند. این ضابطه در خطایی که مقصود مرتکب در آن حیوان یا یک فرد مهدورالدم باشد، روشن است؛ برخلاف صورتی که مقصود جانی، قتل عمدی انسان بی‌گناهی باشد و به اشتباه انسان بی‌گناه دیگری کشته شود. در چنین مواردی صدق جمله مزبور صحیح نیست. شاهد آن هم اینکه نزد عقلا اختلاف نظر وجود دارد که قتل مزبور یک قتل خطای محض باشد، در حالی که از سیاق کلام امام در عبارت فوق چنین برداشت می‌شود که در مقام بیان امری تعبدی نیستند؛ بلکه فرمایش حضرت، ارشاد به حکم واضحی است

۱. مزروعی، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی (قصاص)، ج ۱، ص ۲۱۶.

۲. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۳۸، ح ۷ و ۹ و ۱۳.

که همه عقلا آن را درک می‌کنند.^۱

اما با دقت در عبارت مذکور که در برخی روایات به‌عنوان وصفی برای قتل خطای محض آمده است، روشن می‌شود که این عبارت در مقابل قتل شبه عمد است. حتی در همان روایات هم از این نوع قتل، تعبیر به قتل خطایی شده است و این تقابل، گویای این نکته است که خطای در قتل خطای محض نسبت به خطای در قتل شبه عمد شدیدتر و روشن‌تر است. از این رو امام در برخی روایات، از اشتباه محقق‌شده در قتل خطای محض به خطایی که در آن شکی نیست تعبیر کرده‌اند. این منافاتی ندارد که در برخی از مصادیق قتل خطای محض، به‌لحاظ حیثیات دیگر در خطا بودن آنها تردید و تشکیک شود. به‌عبارت‌دیگر، این عدم وجود شک در این نوع خطا، نسبی است نه اینکه مطلق باشد.

اشکال سوم: اطلاق ضابطه قتل خطای محض که در برخی روایات مطرح شده است، مانند عبارت «إِنَّمَا الْخَطَأُ أَنْ يُرِيدَ الشَّيْءَ فَيُصِيبَ غَيْرَهُ»^۲ یا «الْخَطَأُ مَنْ اعْتَمَدَ شَيْئاً فَأَصَابَ غَيْرَهُ»^۳ نسبت به چنین جنایتی از ابتدا مشکوک و منصرف است. دلیل بر این انصراف این است که عقلای عالم این نوع از قتل را جنایتی ظالمانه و عمدی می‌شمرند و همین، دلیل می‌شود که اطلاقات ادله قتل خطای محض نسبت به این مورد از قتل، از ابتدا مشکوک است.^۴ به همین دلیل، در نظام حقوقی انگلستان با ابداع نظریه‌ای با عنوان «شر یا سوء نیت انتقال‌یافته» چنین جرمی را عمدی محسوب نموده‌اند و این نظر با رویکرد قوانین غالب کشورهای اروپایی هماهنگ است. سیستم قضایی ایران پیش از انقلاب نیز این نوع خطا را موجب خروج عمل از عنوان قتل عمدی نمی‌دانست.^۵ بنابراین اگر شارع نظر خاصی بر خلاف این نظر عقلا داشت، لازم بود به‌صراحت بیان می‌کرد؛ در حالی که در خصوص این نوع از اشتباه در هدف در منابع روایی، آیه و روایتی بر خطایی بودن آن وجود ندارد. با دقت در اشکال سوم می‌توان گفت: اساساً اینکه همه عقلا عالم در قتل ناشی از اشتباه

۱. مزروعی، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی (قصاص)، ج ۱، صص ۲۲۰-۲۲۱.

۲. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۳۵، ح ۶.

۳. همان، ح ۱۳.

۴. مزروعی، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی (قصاص)، ج ۱، ص ۲۱۷.

۵. میرمحمد صادقی، جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، صص ۱۳۹ و ۳۷۷.

در هدف، قتل را عمدی محسوب می‌کنند، مطلب ثابت شده‌ای نیست. شاهد بر این ادعا، نظری است که برخی از فقیهان و حقوق‌دانان در خطای محض بودن این نوع قتل دارند.^۱ در نتیجه، دلیلی برای انصراف اتصالات ادله قتل خطای محض نسبت به این مصداق از قتل وجود ندارد. ظالمانه بودن قتل مزبور نیز دلیل بر انصراف ادله قتل خطای محض از آن نمی‌شود؛ زیرا اگر این انصراف مورد قبول باشد، باید قتل شبه عمد را نیز که قاتل به قصد ظلم ضربه‌ای به فردی می‌زند و فرد بر اثر آن ضربه به صورت اتفاقی کشته می‌شود، منصرف از ادله قتل شبه عمد دانست؛ در حالی که هیچ فقیهی این انصراف را نپذیرفته است. همین گویای آن است که صرف وقوع قتل به صورت ظالمانه باعث نمی‌شود قتل خطای محض و یا شبه عمد در حکم قتل عمدی بشود و قصاص قاتل در مقابل آن جایز تلقی شود. البته اگر در این فرض عاقله او موظف باشند که دیه مقتول را پرداخت کنند، هیچ‌یک از عقلائی عالم آن را نمی‌پذیرند و مورد استنکار آنها قرار می‌گیرد و به همین جهت، اگر شارع در این فرض هم باور داشت که باید دیه مقتول را عاقله پرداخت کنند، لازم بود صریحاً آن را بیان کند. اینکه بیان صریحی از سوی شارع بر لزوم پرداخت دیه بر عاقله در این فرض صادر نشده است، اطلاق ادله وجوب پرداخت دیه بر عاقله را از این فرض منصرف می‌سازد؛ همان‌طور که برخی از مراجع معاصر هم همین باور را دارند.^۲

ممکن است پرسیده شود چرا در این صورت که بر عاقله پرداخت دیه لازم نیست، پرداخت دیه از سوی جانی لازم است؟ و در صورت لزوم چرا نباید بیت‌المال را ضامن دیه قرار داد؟ در پاسخ گفته می‌شود که به مقتضای قاعده «لایبطل دم امرء مسلم» که یک قاعده مسلم بین فقیهان است^۳، اگر پرداخت دیه در این صورت لازم نباشد، خون مسلمان بی‌گناهی هدر می‌رود و در نتیجه برای اینکه خون مسلمان در این صورت ضایع نشود، پرداخت دیه لازم است. اما ضامن نبودن بیت‌المال به این دلیل است که اولاً در جنایات، ضمان بیت‌المال خلاف اصل است؛ زیرا

۱. همان، ص ۳۷۷.

۲. احمد حاجی ده‌آبادی در کتاب «جرائم علیه اشخاص» می‌نویسد که آیت الله منتظری در پاسخ استفتاء او در این باره نوشته‌اند: «هر چند شبیه قتل به خطاست ولی ظاهراً مشمول ادله ثبوت دیه بر عاقله نیست؛ چون اجمالاً قصد قتل محرم را داشته است.» میرمحمد صادقی، جرائم علیه اشخاص (قتل)، ص ۵۳۷.

۳. خوبی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، ص ۲۷۴.

اصل این است که جانی خود ملزم به پرداخت دیه است.^۱ ثانیاً همان طور که ادله ضمان دیه از عاقله، از این گونه موارد انصراف دارد، به همان ملاک ادله ضمان بیت المال هم از این گونه موارد انصراف دارد؛ زیرا ارتکاز استتکاری در بین عقلا وجود دارد که در این موارد که قاتل در قتل خویش مقصر بوده است، بیت المال ضامن پرداخت دیه او باشد و منشأ این ارتکاز استتکاری به تجری قاتل نسبت به قانون و حقوق عامه مردم برمی گردد.

آراء فقیهان و حقوق دانان در ماهیت قتل ناشی از اشتباه در هویت

در ماهیت این نوع از قتل سه نظر بین محققان و اندیشمندان اسلامی مطرح است: نخست اینکه قتل مزبور یک قتل عمدی است.^۲ نظر دوم، قتل مزبور را شبه عمد و یا در حکم آن دانسته است.^۳ و نظر سوم این است که قتل خطای محض است.^۴

نظر نخست: قتل عمد

برخی از فقیهان معاصر قتل مزبور را قتل عمدی دانسته^۵ و بسیاری از حقوق دانان معاصر نیز از این نظر تبعیت کرده اند.^۶

ماجرای

پرونده‌های قضی
تشخیص اشتباه در هدف و هویت مرتکبین ماهیت قتل از منظر فقه امامیه

۱. از آیه شریفه «لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (سوره انعام، آیه ۱۵) نیز می توان برداشت کرد در زمینه های مختلف کسی مسئولیت دیگری را متحمل نمی شود و هر کس باید مسئولیت رفتار خویش را به دوش بکشد. علامه حلی، منتهی المطلب، ج ۱۵، ص ۲۰۱؛ شهید ثانی، مسالک الأفهام، ج ۳، ص ۴۰۳؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۲۴۹.
۲. بهجت، استفتانات، ج ۴، ۴۸۰، استفتاء ۶۲۱۱، فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ص ۴۹۷ استفتاء ۱۷۹۶؛ مکارم، استفتانات جدید، ج ۱، ص ۳۷۴، استفتاء ۱۲۵۶؛ ۱۲۵۸؛ ج ۲، ص ۵۱۵، استفتاء ۱۴۹۶. فقیهان مالکی و برخی از حنبلیان، این نوع از قتل را قتل عمد می دانند. قانون وضعی کشور مصر هم بر همین نظر است. عوده، التشریح الجنائی الاسلامی، ج ۲، ص ۸۹.
۳. حلی، قواعد الأحكام؛ ج ۳، ص ۴۵۷؛ فخر المحققین، ایضاح الفوائد، ج ۴، ص ۵۶۴؛ قطان حلی، معالم الدین فی فقه آل یاسین، ج ۲، ص ۵۲۹؛ فاضل هندی، کشف اللثام، ج ۱۱، ص ۲۷؛ جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۳۷.
۴. تبریزی، تنقیح مبانی الاحکام (کتاب الديات)، ص ۹؛ مشکینی، التعليقة الاستدلالية على شرائع الإسلام، ج ۲ ص ۴۳۰؛ فقیهان حنفی و شافعی و برخی حنبلیان قتل مزبور را قتل خطای محض می دانند. عوده، التشریح الجنائی الاسلامی، ج ۲، ص ۸۹.
۵. بهجت، استفتانات، ج ۴، ۴۸۰، استفتاء ۶۲۱۱.
۶. میرمحمد صادقی، جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، ص ۳۸۲؛ حاجی ده آبادی، جرایم علیه

دلیل: وجود ملاک قتل عمد در اشتباه در هویت

در اشتباه در هویت، ملاک قتل عمد وجود دارد؛ زیرا قاتل هم عمد در فعل (انجام رفتار با اراده نسبت به انسان مورد نظر) و هم قصد ایجاد نتیجه نسبت به فرد مقابل را داشته است. از این رو، قتل عمدی محسوب شده و ادله مشروعیت قصاص شامل آن می‌شود.^۱ و صرف خطا در هویت قربانی موجب خروج جنایت از عنوان عمدی نمی‌شود، همان طور که صرف اشتباه در تشخیص عواملی چون سن، شغل، جنسیت یا نژاد قربانی، موجب خروج جنایت از عنوان عمدی نمی‌شود.

در نقد این دلیل گفتنی است در قتل ناشی از اشتباه در هویت، صرف قصد انجام فعل و کشتن یک هدف فیزیکی کافی نیست تا قتل، عمدی محسوب شود؛ زیرا قاتل قصد کشتن فردی معین با خصوصیات خاصی را داشته که این قصد محقق نشده و فرد کشته شده نیز مقصود او نبوده است. این عدم وصول به مقصود (ناشی از خطای دید) باعث می‌شود که قتل، عمدی تلقی نشود. همان طور که در اشتباه در هدف، قصد وقوع جنایت بر مجنی علیه واقعی وجود ندارد، در اشتباه در هویت نیز به دلیل خطای دید، این قصد نسبت به مقتول محقق نشده و صرف حضور یک هدف فیزیکی، ماهیت قتل را تغییر نمی‌دهد. این دیدگاه با نظر عرفی نیز همخوانی دارد، چنانکه قتل اشتباهی فرزند به جای سارق، عمدی محسوب نمی‌شود و برخی فقیهان معاصر نیز به درستی، آن را تأیید کرده‌اند.^۲

در این نوع قتل، مهم آن است که منشأ اشتباه، خطای دید باشد، نه صرف انگیزه خصمانه. اگر بدون خطای دید، قاتل فردی را به دلیل خصومت بکشد و بعداً بفهمد به مقصود اصلی نرسیده، قتل عمد است و با اشتباه در هویت متفاوت. حتی اگر قتل ناشی از اشتباه در هویت عمدی اثبات شود، به دلیل دخالت خطایی که قاتل در آن نقشی نداشته، اطلاقات ادله قصاص از این مورد منصرف است و نمی‌توان به راحتی حکم به قصاص داد.

اشخاص (قتل)، ص ۵۴۶؛ مزروعی، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی (قصاص)، ص ۲۴۸؛ برهانی، تأملات؛ شرحی بر قانون مجازات اسلامی، ص ۳۶۸.
۱. مزروعی، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، ج ۱، ص ۲۴۸؛ میرمحمد صادقی، جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، ص ۳۸۳.
۲. تبریزی، تنقیح مبانی الاحکام (القصاص)، ص ۲۹.

شایان ذکر است که در اینجا نیز ممکن است کسی به مانند بحث اشتباه در هدف به آیه شریفه «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيِّهِ سُلْطَانًا»^۱ استدلال کند و قتل مزبور را ظالمانه و در حکم قتل عمد بداند که جواب از این استدلال در مباحث سابق گذشت.

نظر دوم: شبهه عمد

از ظاهر عبارت برخی از فقیهان برمی آید که این نوع از قتل، قتل شبهه عمد و یا حداقل در حکم قتل شبهه عمد است. به عنوان مثال، فاضل هندی و صاحب جواهر در خصوص کسی که غذای مسمومی تقدیم فردی می کند تا او را به قتل برساند، ولی به اشتباه در هویت (مانند تاریکی هوا یا وجود پرده و...)، فرد دیگری آن غذای مسموم را می خورد، فرد تقدیم کننده غذا را ضامن دیه مقتول می داند و خود او باید دیه را بپردازد.^۲ از اینکه فقیهان مزبور فرد تقدیم کننده غذا را ضامن دیه دانسته اند نه عاقله اش را، فهمیده می شود که آنها قتل مزبور را قتل شبهه عمد دانسته اند.

اما به نظر می رسد این فتوا مستند روشنی ندارد؛ چون در قتل شبهه عمد قاتل قصد فعل خاصی را نسبت به مقتول دارد، ولی قصد قتل نسبت به مقتول ندارد. در حالی که در اشتباه در هویت، قاتل نسبت به مقتول از آن جهت که دارای یک هویت مشخص خارجی است، قصد فعل و قتل نداشته است؛ اما نسبت به هویت فیزیکی او که در مقابلش بوده است، هم قصد فعل و هم قصد قتل داشته است؛ و نسبت به فردی که مقصود او در قتل بوده، باز هم قصد فعل و قتل داشته است، هر چند نسبت به وی، این قصد تحقق نیافته است. و در نتیجه، به نظر می رسد شبهه عمد بودن اشتباه در هویت مستند روشنی ندارد. البته ممکن است این نوع از قتل در حکم قتل شبهه عمد باشد، به بیانی که در ادامه می آید.

نظر سوم: خطای محض

برخی از فقیهان امامی، قتل ناشی از اشتباه در هویت را از مصادیق قتل خطای محض دانسته اند. به عنوان مثال، محقق تبریزی ضمن مسئله ای می گوید: «اگر کسی به قصد کشتن

مباحث

نش اشتباه در هدف و هویت در تعیین ماهیت قتل از منظر فقه امامیه

۱. سورة اسراء، آیه ۳۳.

۲. فاضل هندی، کشف اللثام، ج ۱۱، ص ۲۷؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۳۷.

زید غذای مسمومی را به خاطر تاریکی و مانند آن، به اشتباه به عمرو بدهد و عمرو غذای مسموم را بخورد و بمیرد، این از مصادیق روایت «الخطاء من اعتمد شیئاً فأصاب غیره» است و در نتیجه، قتل مزبور قتل خطای محض خواهد بود.» هرچند ایشان دیه را بر عهده خود قاتل می‌دانند، به دلیلی که در ادامه می‌آید.^۱

دلیل اول: اطلاق روایات

بر اساس روایات، ضابطه قتل خطای محض، «أَنْ يُرِيدَ الشَّيْءَ فَيُصِيبَ غَيْرَهُ»^۲ و یا «مَنْ اعْتَمَدَ شَيْئاً فَأَصَابَ غَيْرَهُ»^۳ است؛ و این عبارات اطلاق دارد و شامل اشتباه در هویت هم می‌شوند؛ چراکه بدون شک اگر کسی به خاطر تاریکی هوا یا شباهت ظاهری دچار خطای دید شده و دشمن خویش را با دوست خود اشتباه بگیرد و دوست محبوب خود را به قتل برساند، به نگاه عرفی در قتل خویش دچار اشتباه شده است و ضابطه فوق هم بر آن قابل تطبیق است.

اما به این استدلال اشکال می‌شود؛ زیرا با توجه به اینکه، در اشتباه در هویت، جسم خارجی فردی نشانه گرفته شده و همان فرد هم به قتل رسیده است، به همین جهت، ملاک قتل خطای محض در روایات در آن تطبیق نمی‌کند؛ برخلاف اشتباه در هدف که فردی را قاتل نشانه می‌گیرد و بر اساس اتفاقات غیرمنتظره، تیر او به نشانه دیگری می‌خورد. به عبارت دیگر، تطبیق «أَنْ يُرِيدَ الشَّيْءَ فَيُصِيبَ غَيْرَهُ»^۴ و یا «مَنْ اعْتَمَدَ شَيْئاً فَأَصَابَ غَيْرَهُ»^۵ که در روایات به عنوان تعریفی برای قتل خطای محض آمده است، بر قتل ناشی از اشتباه در هویت مشکل است؛ زیرا تعبیر «فأصاب غیره» در وقوع قتل بر اساس اشتباه در هدف ظهور دارد؛ و در قتل بر اساس اشتباه در هویت، این نوع تعبیر عرفی نیست و تعبیر عرفی در قتل بر اساس اشتباه در هویت این است که گفته شود: «فتبین غیره». به همین جهت، به نظر می‌رسد که قتل بر اساس اشتباه در هویت قتل خطای محض نخواهد بود.

ماهیچوار
پژوهش‌های فقهی

سال نهم، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۴۰۴

۱. تبریزی، تقی‌حی مبانی الاحکام (کتاب الديات)، ص ۹.
۲. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۳۵، ح ۱ و ص ۳۷، ح ۶.
۳. همان، ص ۳۶، ح ۱۳.
۴. همان، ص ۳۵، ح ۶.
۵. همان، ص ۳۶، ح ۱۳.

در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت: «مَنْ اعْتَمَدَ شَيْئًا» یا «يُرِيدُ الشَّيْءَ» مذکور در روایات به معنای قصد و اراده کردن است و ماهیت این معنی امری درونی و قصدی است. در اشتباه در هدف و نیز اشتباه در هویت، مقصود قاتل با آنچه که تحقق پیدا کرده، متفاوت است و لذا ملاک مذکور بر هر دو اشتباه قابل تطبیق است؛ در نتیجه، تعبیر «فأصاب غيره» هم عرفی خواهد بود. خطای نقد مذکور این است که کلمات یادشده در روایات را به معنای نشانه‌گیری فیزیکی و خارجی گرفته که این معنی خلاف ظاهر است.

اگرچه به نظر می‌رسد کلمات مذکور در روایت به معنای نشانه‌گیری فیزیکی و خارجی باشد؛ زیرا اگر مقصود، صرف تخلف اراده و عدم رسیدن به مقصود باشد، در مواردی که فردی کشتن فردی را به این گمان که دشمن مذهبی اوست، قصد می‌کند، ولی پس از قتل معلوم می‌شود که در تحقیقش از هویت مذهبی مقتول دچار اشتباه شده و فرد مقتول دشمن او نبوده است؛ باید قتل مزبور به این ملاک، قتل خطای محض باشد، درحالی‌که قطعاً قتل مزبور عمدی است. به همین جهت، به نگاه عرفی، صرف نرسیدن قاتل به مقصود خویش، ملاک تام برای خطایی بودن قتل نمی‌شود.

دلیل دوم: الغای خصوصیت

همان‌طور که ثابت شد، شارع مقدس قتل ناشی از اشتباه در هدف را قتل خطای محض دانسته است؛ قتل بر اساس اشتباه در هویت هم به همان ملاک، قتل خطای محض است؛ زیرا در هر دو صورت گفته می‌شود نسبت به مجنی‌علیه، قصد وقوع فعل و جنایت از سوی قاتل رخ نداده است؛ هرچند نسبت به اشتباه در هدف این گفته واضح‌تر است.

نشانه صحت این الغای خصوصیت قطعی این است که اگر کسی به سمت گوسفندی شلیک کند، ولی تیر او به خطا رود و انسانی کشته شود که قدر متیقن از قتل خطای محض است، با صورتی که فردی از راه دور شبهی را حیوان تصور کند و سپس معلوم شود انسان بوده است، به نگاه عرفی در ماهیت قتل واقع شده تفاوتی نمی‌کند و چنین نیست که عرف در صورت دوم بگوید قتل عمدی رخ داده است، ولی به این دلیل که قتل عدوانی نبوده است، قصاص ثابت نیست؛ بلکه در هر دو صورت نزد عقلا، یک‌نوع قتل تحقق پیدا کرده است. حال اگر به جای کشتن یک گوسفند، فرد قصد کشتن فرد محقون‌الدمی را داشته است؛ اگر اشتباه در هدف باعث

نشود که قتل مزبور عمدی بشود، اشتباه در هویتش هم همین‌طور است. سه اشکالی که بر خطای محض بودن قتل ناشی از اشتباه در هدف مطرح شد، ممکن است بر خطای محض بودن قتل ناشی از اشتباه در هویت هم مطرح شود که پاسخ به این اشکالات در مباحث پیشین گذشت.

در نهایت گفتنی است که هرچند این قتل بر پایه قواعد قتل خطای محض است، ولی چون ادله ضمان دیه بر عاقله از این‌گونه مواردی که انگیزه قاتل جنایتکارانه بوده است، به دلیلی که در قتل ناشی از اشتباه در هدف گذشت، منصرف است، در نتیجه دیه بر عهده خود قاتل است و قتل او در حکم قتل شبه عمد خواهد شد؛ و بعید نیست مراد فاضل هندی و صاحب جواهر هم همین نظر بوده است.

حکم مسئله در صورت شک

در مواردی که نوع قتل (عمد، شبه عمد یا خطای محض) ناشی از اشتباه در هدف و هویت، مبهم باشد و «علم اجمالی» به وجود آید، نمی‌توان به «اصل برائت» تمسک کرد تا قاتل نه قصاص شود و نه دیه پردازد. در چنین شرایطی، راه «احتیاط» ایجاب می‌کند که ولی دم مقتول، قاتل و عاقله او بر سر پرداخت دیه مصالحه کنند. این مصالحه ضروری است؛ زیرا اگر قتل عمدی نباشد، قصاص جایز نیست و اگر عمدی باشد پرداخت دیه بدون رضایت ولی دم مقتول و نیز قاتل کفایت نمی‌کند.^۱ همچنین، مصالحه نباید بر بیش از دیه صورت گیرد، چرا که ممکن است قتل عمد نباشد. در صورت عدم مصالحه، حاکم شرع برای حل اختلاف می‌تواند به پرداخت دیه شرعی حکم کند.^۲

قوانین موضوعه در قتل ناشی از اشتباه در هدف و هویت

قانونگذار سال ۱۳۹۲ در خصوص قتل ناشی از اشتباه در هدف (زمانی که هم فرد مقصود و هم مقتول محقون الدم هستند) نظر روشنی ابراز نکرده است. هرچند از اطلاق بند پ ماده ۲۹۲

۱. نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۲۷۸.

۲. اگر قاعده درء در قصاص مورد پذیرش قرار بگیرد نیز می‌توان به واسطه قاعده فوق حق قصاص را نیز نفی کرد. (بجنوردی، قواعد فقهیه، ص ۱۶۱).

قانون مجازات اسلامی می‌توان برداشت کرد که این نوع قتل، خطای محض است^۱، اما نگارنده معتقد است که مثال‌های ارائه‌شده در قانون (مانند شکار) این شمول را محل تردید قرار می‌دهد و پیشنهاد می‌کند که قانونگذار این مورد را به‌صراحت در حکم قتل شبه عمد معرفی کند. در بند پ ماده مذکور که در مقام بیان یکی از موارد قتل خطای محض است، آمده است: «پ- جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی‌علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید.»

در مقابل، قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۹۴، قتل ناشی از اشتباه در هویت را (در شرایطی که هم فرد مورد نظر و هم مقتول محقون‌الدم باشند) عمدی و موجب قصاص دانسته است. با این حال، نگارنده پیشنهاد می‌کند که این نوع قتل نیز عمدی محسوب نشده و در حکم قتل شبه عمد قرار گیرد؛ زیرا چنین رویکردی هم با عدالت سازگارتر است و هم احتیاط ملحوظ مورد نظر شارع مقدس در بحث دیات را رعایت می‌کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نکات زیر از مجموع مباحث گذشته به دست آمد:

نتیجه‌گیری

تشابه در هدف و هویت در تعیین ماهیت قتل از منظر فقه امامیه

۱. قتل ناشی از اشتباه در هدف یا هویت، اگر ناشی از بی‌احتیاطی و سهل‌انگاری قاتل باشد، بسته به موارد مختلف، قتل عمد یا شبه عمد خواهد شد.
۲. در قتل ناشی از اشتباه در هدف و هویت، با توجه به اینکه قاتل قصد کشتن یک انسان محقون‌الدم به‌صورت کلی را نداشته است، بلکه قاتل قصد می‌کند فعل خود را متوجه فرد معینی کند و قصد عدم وقوع فعل بر دیگران را دارد، نمی‌توان قتل عمد محسوب کرد.
۳. در قتل ناشی از اشتباه در هدف و هویت، قاتل نسبت به مقتول، از آن جهت که دارای یک هویت مشخص خارجی است، قصد فعل و قتل نداشته است و در نتیجه قتل

۱. میرمحمد صادقی، جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، ص ۳۸۰.

۲. ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی اشاره به افرادی دارد که جان آنها محترم نیست: «ماده ۲۹۴- اگر کسی به علت اشتباه در هویت، مرتکب جنایتی بر دیگری شود در صورتی که مجنی‌علیه و فرد مورد نظر هر دو مشمول ماده (۳۰۲) این قانون نباشند، جنایت عمدی محسوب می‌شود.»

- مزبور، قتل شبه عمد نیست.
۴. قتل ناشی از اشتباه در هدف، به حسب ضابطه مذکور در روایات، به لحاظ موضوعی، قتل خطای محض است؛ زیرا اطلاق تعریف قتل خطای محض در روایات بر این نوع از قتل صدق می‌کند.
۵. در قتل ناشی از اشتباه در هویت، ضابطه مذکور در روایات قتل خطای محض بر آن صدق نمی‌کند، ولی می‌توان با الغای خصوصیت قطعی به لحاظ موضوعی، موضوع مربوط به قتل خطای محض را نیز شامل این مورد دانست.
۶. به دلیل انگیزه وجود جنایتکارانه قاتل در قتل ناشی از اشتباه در هدف و هویت، قتل خطای محض واقع شده در حکم قتل شبه عمد می‌شود؛ به این معنی که ادله ضمان عاقله در فرض اثبات قتل با بینه، نسبت به این گونه موارد انصراف دارد.
۷. به جهت قاعده «لا یبطل» قاتل، در قتل ناشی از اشتباه در هدف و هویت باید دیه قتل واقع شده را خود قاتل پرداخت کند و پرداخت دیه از بیت‌المال خلاف اصل است.

منابع و مآخذ

- * قرآن کریم.
۱. ابن سعید حلّی، یحیی بن احمد، الجامع للشرایع، قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام، چ ۱، ۱۴۰۵ق.
 ۲. اصفهانی، فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام عن قواعد الأحكام، قم: انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۶ق.
 ۳. انصاری، محمد بن شجاع، معالم الدین فی فقه آل یاسین، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چ ۱، ۱۳۸۱ش.
 ۴. برهانی، محسن، لطفعلی زاده، الهه، تأملات؛ شرحی بر قانون مجازات اسلامی، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چ ۱، ۱۴۰۱ش.
 ۵. بغدادی، مفید، محمد بن محمد، المقنعة، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۲، ۱۴۱۰ق.
 ۶. بهجت، محمد تقی، استفتائات، قم: دفتر حضرت آیت الله العظمی بهجت، چ ۱، ۱۳۸۶ش.
 ۷. تبریزی، جواد، تنقیح مبانی الأحكام (الذیات)، قم: دار الصدیقة الشهیده علیه السلام، چ ۳، ۱۳۸۷ش.
 ۸. _____، تنقیح مبانی الأحكام (القصاص)، قم: دار الصدیقة الشهیده علیه السلام، چ ۳، ۱۳۸۷ش.
 ۹. حاجی ده آبادی، احمد، جرایم علیه اشخاص (قتل)، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چ ۵، ۱۴۰۳ش.
 ۱۰. حسینی عاملی، محمد جواد، مفتاح الکرامه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ ۱، [بی تا].

۱۱. حلی، علامه حلی، حسن بن یوسف، قواعد الأحكام، قم: انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۳۱۴ق.
۱۲. _____، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد مقدس: آستانة الرضویة المقدسة، چ ۱، ۱۴۱۲ق.
۱۳. حلی، فخر المحققین، محمد بن حسن، ایضاح الفوائد فی شرح القواعد، قم: اسماعیلیان، چ ۱، ۱۳۸۷ق.
۱۴. خمینی، روح الله، تحریر الوسيلة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۳، ۱۳۹۲ش.
۱۵. خوانساری، احمد، جامع المدارک، تهران: مکتبة الصدوق، چ ۲، ۱۳۵۵ش.
۱۶. خوبی، ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، قم: موسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، چ ۱، ۱۴۱۸ق.
۱۷. سبحانی، جعفر، استفتائات، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چ ۱، ۱۳۸۹ش.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دارالکتاب العربی، چ ۲، ۱۴۰۰ق.
۱۹. عاملی، حر، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحیاء التراث، چ ۱، ۱۴۰۹ق.
۲۰. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، اللمعة الدمشقیة، بیروت: دار التراث العربیة، چ ۱، ۱۴۱۰ق.
۲۱. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة (محشی سلطان العلماء)، قم: مکتبة الداوری، چ ۱، ۱۴۱۰ش.
۲۲. _____، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرایع الإسلام، قم: موسسه المعارف الاسلامیة، چ ۱، ۱۴۱۳ق.
۲۳. عوده، عبدالقادر، التشریح الجنائی الإسلامی مقارن بالقانون الوضعی، بیروت: دارالکاتب العربی، چ ۱، [بی تا].
۲۴. فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، قم: امیر قلم، چ ۱، ۱۴۲۵ق.
۲۵. فضلی، مهدی، ساریخانی، عادل، «جنایت نظیر و اشتباه در جنایت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، پژوهش حقوق کیفری، بیست و ششم، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۸ش.
۲۶. فقحانی، علی بن علی، الدر المنضود فی معرفة صیغ النیات و الايقاعات و العقود، شیراز: مکتبة امام العصر علیه السلام العلمیة، چ ۱، ۱۴۱۸ق.
۲۷. فیاض، محمد اسحاق، منهاج الصالحین، قم: مکتب سماحة آية الله العظمی شیخ محمد اسحاق فیاض، چ ۱، [بی تا].
۲۸. کاشف الغطاء، احمد، سفینه النجاة و مشکاة الهدی و مصباح السعادات، نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء العامة، چ ۱، ۱۴۲۳ق.
۲۹. مرعشی شوشتری، محمد حسن، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چ ۱، ۱۳۹۷ش.
۳۰. مرعشی نجفی، شهاب الدین، منهاج المؤمنین، قم: کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چ ۱، ۱۴۰۶ش.

۳۱. مزروعی، رسول، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی (قصاص)، قم: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی، چ ۱، ۱۳۹۴ش.
۳۲. مشکینی اردبیلی، علی، التعلیقة الاستدلالية على شرائع الاسلام، تهران: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، چ ۱، ۱۳۹۲ش.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، استفتانات جدید، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چ ۲، ۱۴۲۷ق.
۳۴. منتظری، حسینعلی، رساله استفتانات، تهران: نشر سایه، چ ۳، ۱۳۸۴ش.
۳۵. میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چ ۳۴، ۱۴۰۳ش.
۳۶. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ ۱۴۰۴، ۷ق.
۳۷. وحید خراسانی، حسین، منهاج الصالحین، قم: مدرسه الامام باقر العلوم علیه السلام، چ ۵، ۱۳۸۶ش.